

پاسخنامه تشریحی حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی و حقوق تجارت

آزمون وکالت ۱۳۹۵

دکتر مهدی فلاح خاریکی

حقوق مدنی :

(۱) در صورتی که هوشنگ حق انتفاع از ملک خود را به بهروز واگذار کند و سپس بدون اطلاع وی آن را به غیر بفروشد کدام مورد صحیح است؟

- ۱- اعتبار معامله ای که موضوع حق انتفاع است، منوط به اجازه بهروز است.
- ۲- معامله صحیح است و بهروز فقط میتواند عوض منافع را از هوشنگ مطالبه کند.
- ۳- خریدار در صورتی می تواند از منافع بهره برداری کند که قرارداد حق انتفاع، فسخ شود.
- ۴- معامله صحیح است، ولی بهروز منحصر در صورتی می تواند از مال استفاده کند که خریدار به ادامه تصرفات وی راضی باشد.

✓ گزینه ۳.

نکته ۱: بر اساس ماده ۵۳ قانون مدنی، انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی شود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت. نکته ۲: حق انتفاع، حق عینی است و با انتقال مال از بین نمی رود و انتقال عین همواره با رعایت حق منتفع است و انتقال گیرنده عین، قائم مقام مالک می شود و تکالیف وی را در برابر منتفع دارد. لذا به این اعتبار که مالک نمی تواند با تصرف خود باعث تضییع یا تعطیل حق انتفاع شود (مستفاد از ماده ۱۰۶ قانون مدنی) می توان واگذاری حق انتفاع را حبس نامید (ماده ۴۷ قانون مدنی). چراکه در حق انتفاع مرسوم، مالک عین، حق انتقال مال خود را به همان صورت به دیگران دارد. زیرا دادن حق انتفاع، مالکیت عین را از بین نمی برد (ماده ۵۳ قانون مدنی).

نکته ۳: اگر مالک، عین را به منتفع انتقال دهد یا منتفع حق خود را به مالک واگذار کند، در اختلاط دو حق، حق انتفاع زایل می شود (ملاک ماده ۳۰۰ قانون مدنی).

(۲) کدام مورد در خصوص تولیت مال موقوفه، صحیح است؟

- ۱- حاکم نمیتواند کسی را که در ضمن عقد، متولی قرارداده شده است، عزل کند، ولی واقف در صورتی که خیانت متولی ظاهر شود، حق عزل او را دارد.
- ۲- چنانچه در ضمن تعیین متولی برای وقف، شرط مباشرت شده باشد، متولی میتواند وکیل بگیرد یا تولیت را به دیگری تفویض کند.

پایگاه خبری

اکتبر

۳- در صورتی که دو نفر به عنوان متولی تعیین شده باشند، در هر حال با فوت هر یک، حاکم شخصی را ضمیمه خواهد کرد.

۴- واقف می تواند خود را متولی قرار داده و از منافع موقوفه، مبلغی به عنوان حق تولیت برای خود تعیین کند.

✓ گزینه ۴

نکته ۱: مطابق ماده ۷۹ قانون مدنی واقف یا حاکم نمی تواند کسی را که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کند، مگر در صورتی که حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود حاکم ضم امین می کند.

نکته ۲: تفویض تولیت توسط متولی جایز نیست مگر اینکه ضمن وقف ماذون بوده باشد ولی توکیل به غیر جایز است مگر اینکه ضمن وقف شرط مباشرت متولی شده باشد (ماده ۸۳ قانون مدنی). تفاوت تفویض تولیت و وکالت دادن به دیگری در این است که در فرض نخست متولی سمت خود را به دیگری وا می گذارد و از مسئولیت رها می شود، در حالی که وکالت دادن در مقام اجرای وظایف متولی است و وکیل با نظارت او اقدام می کند و مسئولیت و اختیار متولی منصوب واقف از بین نمی رود. قاعده مزبور راجع به تفکیک تفویض و توکیل در مورد ولایت، وصایت، قیومت، امانت، حضانت و به طور کلی هر سمتی که هدف آن تأمین منافع عمومی یا شخص دیگری است، رعایت می شود. برای مثال، وصی حق اختیار وصی (حق ایضاء) ندارد مگر اینکه ماذون باشد ولی وصی حق گرفتن وکیل دارد مگر اینکه مباشرت وی شرط شده باشد.

نکته ۳: در تعدد تولیت چهار حالت تصور می شود: (۱) استقلال؛ (۲) اجتماع؛ (۳) ترتیب؛ (۴) اطلاق که حالت اطلاق نیز به اجتماع باز می گردد. در حالت استقلال، تا زمانی که متولیان زنده اند و صلاحیت دارند هر کدام صلاحیت اداره را به طور مستقل دارد. لذا فوت یا عدم صلاحیت هریک تاثیری در صلاحیت دیگران ندارد (ماده ۷۷ قانون مدنی). در حالت اجتماع (انضمام) هیچیک بدون دخالت و تصویب دیگران نمی تواند اقدامی کند. در غیر این صورت، عمل فضولی و غیرنافذ است و عامل خودسر مسئول زیان است. وانگهی هرچند در وکالت (ماده ۶۷۰ قانون مدنی) یکی از وکلای مجتمع فوت نماید وکالت دیگران نیز باطل می شود، ولی در تولیت، بعد از فوت یکی از متولیان مجتمع، حاکم شخصی را ضمیمه آن که باقی مانده است، می نماید که مجتمعا تصرف کنند (ماده ۷۷ قانون مدنی). بنابراین، ایراد گزینه ۳ این است که در صورت فوت یکی از متولیان، حاکم در حالت اجتماع می تواند شخصی را به متولی ضمیمه نماید نه در هر حالتی. زیرا در فرض استقلال متولیان، فوت هریک اصولا تاثیری در صلاحیت دیگران ندارد.

نکته ۴: متولی ممکن است شخص واقف باشد و اجرت نیز بخشی از منافع عین موقوف باشد. چنین وقفی، وقف بر نفس نیست. زیرا عنوان مالی که به واقف داده باشد اجرت کار است نه منافع رایگان مگر اینکه اجرتی که واقف برای خود تعیین می کند چندان گزاف باشد که دال بر اختصاص بخشی از منافع به سود خویش است. در این صورت، وقف باطل است.

۳) کدام مورد زیر، عقد خیاری محسوب می شود؟

۱- واجد خیار تخلف شرط باشد.

۲- واجد خیار شرط باشد.

۳- واجد یکی از خيارات مشترک باشد.

۴- واجد یکی از خيارات مختص باشد.

✓ گزینه ۲.

نکته ۱: به موجب ماده ۱۸۸ قانون مدنی، عقد خياری آن است که برای طرفین یا یکی از آنها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد. منظور از خيار در عقد خياری حق فسخی است که ساخته‌ی تراضی طرفین قرارداد است (خيار شرط) نه خيارات قانونی مثل خيار غبن، عيب و غيره.

نکته ۲: عقد خياری یکی از اقسام عقود لازم است که برخلاف آنچه از ظاهر ماده ۱۸۸ ق.م. بر می‌آید عقد خياری شامل عقود جایز نمی‌گردد. زیرا جایی که طرفین حق داشته باشند تا عقد را به میل خود برهم زنند دیگر گفتگو از خياری بودن عقد معنایی نخواهد داشت.

۴) محمد اتومبیل متعلق به ثریا را که برای تعمیر در اختیار او بود، به مبلغ سیصد میلیون ریال به بهروز می‌فروشد و سپس اتومبیل در ید خریدار، بر اثر سیل تلف می‌شود در صورت رد معامله، کدام مورد صحیح است؟

۱- ثریا می‌تواند برای مطالبه قیمت اتومبیل، فقط به بهروز مراجعه کند

۲- ثریا حق دارد قیمت اتومبیل را به نرخ روز، از محمد یا بهروز مطالبه کند.

۳- با توجه به اینکه اتومبیل بر اثر سیل تلف شده است، ثریا فقط حق رجوع به محمد را دارد.

۴- با توجه به اینکه اتومبیل بدون تقصیر بهروز تلف شده است، ثریا فقط حق مطالبه سیصد میلیون ریال را از وی دارد.

✓ گزینه ۲. در صورت رد معامله توسط مالک دو فرض قابل تصور است:

اول اینکه؛ اگر فصول مبیع را به اصیل (خریدار) تسلیم نکرده باشد، اصیل مسئولیتی در قبال مالک نخواهد داشت. چراکه مبنای مسئولیت اصیل به احکام غصب مربوط می‌شود و تا زمانی که استیلا بر مال وجود نداشته باشد مسئولیتی در کار نخواهد بود.

دوم اینکه؛ اگر فصول، مبیع را به اصیل تسلیم کرده باشد، اصیل در رابطه با مالک مال همراه با بایع فصولی، هم نسبت به عین و هم نسبت به منافع آن مسئول است اعم از اینکه اصیل به فصولی بودن معامله عالم باشد یا جاهل، خواه مال در اثر قوه قاهره تلف شده باشد یا خیر. چراکه در حکم غاصب محسوب می‌شوند (۲۵۹ و ۲۶۱ ق.م.).

۵) در خصوص ایرانیانی که تابعیت خارجی را تحصیل کنند، کدام مورد صحیح است؟

۱- تابعیت ایرانی آنان در هر حال زایل می‌شود.

۲- موظف هستند ظرف شش ماه، ترک تابعیت ایران کنند.

۳- در صورت تایید تابعیت خارجی توسط هیات وزیران، تابعیت ایرانی آنها زایل می‌شود.

پایگاه خبری

اکتبر

۴- تابعیت ایرانی آنها باقی است و جز وزارت، نمایندگی مجلس، عضویت در شورای نگهبان و قضاوت، اشتغال به مشاغل دولتی دیگر بلامانع است.

✓ **گزینه ۳.** طبق ماده ۹۸۹ قانون مدنی، هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود. تبصره - هیات وزیران میتواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مضمولین این ماده را برسمیت بشناسد. به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت میتوان داد.

۶) در خصوص عدم ایفای تعهدات از سوی متعهد در موعد تعیین شده در قرارداد، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- در تعهدات غیر پولی، متعهد له با انقضای مدت، حق مطالبه خسارت عدم انجام تعهد را دارد.
- ۲- چنانچه تعهد پولی باشد، با انقضای مدت، متعهد له حق مطالبه خسارت تأخیر را دارد.
- ۳- متعهد له نمی تواند مطالبه خسارت نماید، مگر آنکه موعد سپری شده و اجرای تعهد مطالبه شود.
- ۴- در کلیه تعهدات متعهد له در صورتی می تواند خسارت عدم انجام تعهد مطالبه کند که متعهد، با وجود تمکن مالی از اجرای تعهد خودداری نماید.

✓ **گزینه ۱.** طبق ماده ۲۲۶ ق.م.، با انقضای مدت و عدم اجرای مفاد عقد در موعد مقرر، یکی از ارکان مطالبه خسارت یعنی نقض قرارداد محقق شده و متعهد له می تواند مطالبه خسارت نماید خواه اجرای قرارداد را از متعهد درخواست نموده باشد یا خیر مگر در صورتی که موضوع تعهد، وجه نقد باشد که بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹، برای مطالبه خسارت تأخیر تادیهی وجه نقد، مطالبه اجرای تعهد توسط طلبکار و نیز توانایی مالی مدیون ضروری دانسته شده است.

۷) شرکت در کدام یک از موارد زیر، زایل می شود؟

- ۱- عدم امکان تقسیم به علت ضرری بودن
- ۲- نقصان فاحش قیمت در صورت عدم تقسیم
- ۳- تلف شدن بیش از نصف مال شرکت
- ۴- از مالیت افتادن مال شرکت

✓ **گزینه ۴.**

نکته ۱: در صورتی که بخشی از مال شرکت تلف شود، اشاعه برهم نمی خورد و آنچه تلف می شود بخشی از حق همه شرکا است و آنچه باقی می ماند باز به همه تعلق دارد. زیرا حق همه شرکا منتشر در مجموع است.
نکته ۲: از مالیت افتادن کل مال شرکت نیز در حکم تلف تمام آن است.

۸) مطابق قواعد کلی قانون مدنی، کدام یک از موارد زیر، در خصوص عقد مضاربه، صحیح است؟

- ۱- مضارب می تواند با اخذ اجرت، اعمالی را که صرفاً رجوع به اجیر در آنها لازم است. شخصاً انجام دهد.
- ۲- مضارب می تواند به تشخیص خود با سرمایه مالک و به منظور سودآوری بیشتر، با دیگری مضاربه کند.
- ۳- مضارب، در صورت اطلاق عقد، حق هر نوع تجارتي را دارد.
- ۴- مضارب، ضامن و مسئول مال مضاربه است.

✓ گزینه ۳.

نکته ۱: مطابق م ۵۵۵ ق.م.، اگر مضارب (عامل) اعمالی را که بر طبق عرف بایستی به اجیر رجوع کند، خود شخصاً انجام دهد مستحق اجرت آن نخواهد بود. این حکم مبتنی بر فرض تبرعی بودن کار مضارب است. چراکه در عقد مضاربه عامل تنها به نیابت از مالک سرمایه اقدام نمی کند بلکه در نتیجه کارها شریک است و هرچه از هزینه ها بالاتر رود از سهم او کاسته می شود و بالعکس. به همین دلیل، اگر برای صرفه جویی در هزینه ها کار اجیر را انجام دهد فرض این است که در کار خود قصد اجرت گرفتن از مالک نداشته و می خواسته تا هردو شریک، از نتایج آن کار بهره مند شوند. البته در صورت اثبات خلاف این فرض، مضارب مستحق اجرت خواهد بود. در مقابل، در وکالت که سود و زیان کارها عاید موکل می شود و طرفین وکالت، شریک یکدیگر نیستند فرض تبرعی بودن کار وکیل وجود ندارد مگر اینکه خلاف این فرض اثبات شود.

نکته ۲: به موجب ماده ۵۵۴ قانون مدنی مضارب نمی تواند نسبت به همان سرمایه با دیگری مضاربه کند یا آن را به غیر واگذار نماید مگر با اجازه مالک. (مثل وکالت در مواد ۶۷۲ و ۶۷۳ قانون مدنی).

نکته ۳: در مضاربه ضروری نیست که نوع کار تجاری تعیین شود و در صورتی که تجارت خاصی شرط نشده باشد (مضاربه مطلق باشد) عامل می تواند هر قسم تجارتي را که صلاح بدانند، انجام دهد ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند (م ۵۵۳ ق.م.).

نکته ۴: عامل به عنوان وکیل مالک تجارت می کند و در حکم امین مالک است و تعهد وی به نگهداری و بکارگیری درست سرمایه تعهد به وسیله است نه نتیجه و ضامن مال مضاربه نمی شود مگر در صورت تعدی یا تفریط که باید توسط مالک اثبات شود (م ۵۵۶ ق.م.). اگر شرط شود که مضارب، ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت، متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است مگر این که به طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف، مجاناً به مالک تملیک کند (م ۵۵۸ ق.م.). طبق قانون مدنی شرط ضمان مضارب خلاف مفهوم نیابت و در نتیجه مقتضای ذات عقد مضاربه و مبطل عقد است. زیرا زیان ناشی از تجارت باید به ترتیب از سود، سرمایه و بعد دارایی شخصی مالک جبران شود. زیرا عامل نماینده مالک است و به حساب او معامله می کند و شرط ضمان مضارب به معنای ظاهر شدن آثار معامله در دارایی نماینده است.

۹) شخصی مقدار معینی شکر را به دیگری می فروشد و پس از تحویل، معلوم می شود که حین

العقد معیوب بوده است، در کدام یک از موارد زیر، خریدار در فسخ یا مطالبه ارزش مخیر است؟

- ۱- چنانچه خریدار، مبیع را به دیگری هبه نموده باشد.
- ۲- در صورتی که به علت رطوبت انبار خریدار، مبیع از مالیت افتاده باشد.

۳- چنانچه شکرهای موردنظر، در کارگاه نبات سازی استفاده شده باشد.

۴- چنانچه بواسطه عیب مزبور، کسر قیمتی در مبیع حاصل شده باشد.

✓ **گزینه ۴.** طبق ماده ۴۲۹ قانون مدنی مواردی که حق فسخ ساقط می شود ولی ارش باقی می ماند:

- در صورت تلف مبیع نزد مشتری یا انتقال به غیر:

توجه: در صورتی که انتقال به غیر بدون آگاهی از عیب صورت گرفته باشد، اگر به دلیلی انتقال فسخ یا اقاله شود و مبیع به خریدار بازگردد، او حق فسخ عقد را به استناد عیب دارد ولی اگر انتقال به غیر با آگاهی از عیب باشد انتقال در این شرایط به معنای اسقاط ضمنی خیار عیب و رضای به معامله است.

نکته: انتقال مبیع به وارثان در اثر مرگ خریدار مشمول ماده ۴۲۹ قانون مدنی نمی شود و وارثان به ارث خیار عیب اعم از حق فسخ یا ارش پیدا می کنند. البته با توجه به ملاک مواد ۴۳۱ و ۴۳۲ قانون مدنی اعمال حق فسخ در صورتی ممکن است که تمام وارثان در فسخ عقد اتفاق نظر داشته باشند.

- ایجاد تغییر در مبیع اعم از اینکه به فعل مشتری باشد یا خیر:

مثال: اگر خریدار از پارچه ای که خریده است لباس بدوزد یا گندم را آرد کند دیگر حق فسخ بر مبنای عیب را ندارد هرچند که اقدام وی به تغییر قبل از آگاهی از عیب باشد.

نکته: اگر تغییر به گونه ای باشد که بتوان آن را به صورت نخست برگرداند، خریدار می تواند پس از بازگشتن مبیع به وضع قراردادی از حق فسخ استفاده کند، مگر این که تغییر با علم به عیب به نشانه اسقاط حق فسخ باشد.

- در صورت حدوث عیب جدید در مبیع بعد از قبض:

توجه: سقوط حق فسخ ناظر به فرضی است که عیب حادث بعد از تسلیم بر عهده خریدار است و گرنه در جایی که ضمان عیب حادث بر عهده فروشنده باشد عیب مانع از فسخ عقد و رد مبیع نیست مثل عیب حادث قبل از تسلیم (ماده ۴۲۵ قانون مدنی)، عیب حادث در نتیجه عیب قدیم باشد که در حکم عیب قبل از قبض است (ماده ۴۳۰ قانون مدنی)، عیب در زمان خیار مختص به مشتری حادث شود.

نکته: اگر عیب اضافی و حادث بعد از عقد رفع شود، مانع از فسخ عقد به استناد عیب سابق نیست.

نکته: ماده ۴۲۹ قانون مدنی قاعده ای تکمیلی است نه امری.

۱۰) تاجری با ارائه یک نمونه برنج هندی به خریدار، تمامی موجودی انبار خود را که حاوی صد تن برنج است، می فروشد، اما هنگام تسلیم معلوم می شود که کالای فروخته شده، فاقد اوصاف

نمونه است، کدام ضمانت اجرایی، در دسترس خریدار خواهد بود؟

۱- فقط حق فسخ معامله دارد.

۲- فقط حق مطالبه ارش دارد.

۳- می تواند الزام فروشنده را به تسلیم مبیع مطابق نمونه بخواهد.

۴- حق دارد با قبول برنج های موجود در انبار، خسارت ناشی از عدم مطابقت کالا را مطالبه نماید.

✓ **گزینه ۱.** طبق ماده ۳۵۴ قانون مدنی ممکن است بیع از روی نمونه به عمل آید در این صورت باید تمام

مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت.

نکته ۱: این ماده اختصاص به مبیع معین دارد. البته اگر مبیع کلی در معین باشد (مثل فروش یک تن از موجودی انبار معین که حاوی صد تن برنج است) بایع باید از سایر برنجهای موجود در انبار مطابق نمونه تسلیم نماید اما اگر تمام برنج های موجود در انبار مطابق نمونه نباشد در حکم عین معین تلقی می شود. به نظر، مبیع در فرض سوال عین معین محسوب می شود چرا که مبیع در عالم خارج مشخص و قابل اشاره است. یعنی مبیع بخشی از برنج موجود در انبار معین نیست تا نیاز به تعیین داشته باشد بلکه کل برنج موجود در انبار معین است.

(۱۱) کدام یک از موارد تعلیق زیر، مبطل عقد است؟

- ۱- در صورتی که مدیون پرداخت نکند، من ضامن هستم.
- ۲- در صورتی که دینی بر عهده مدیون ثابت باشد، من ضامن هستم.
- ۳- در صورتی که مدیون تا کنون ادای دین نکرده باشد. من ضامن هستم.
- ۴- در صورت عدم ایفای دین از سوی مدیون، من ملتزم به تأدیه خواهم بود.

✓ گزینه ۱.

نکته ۱: مطابق ماده ۶۹۹ ق.م. تعلیق در ضمان به این معنا که انتقال دین از ذمه مدیون منوط به تحقق شرایطی مثل عدم پرداخت مدیون شود ممنوع است اما ضامن می تواند التزام به تأدیه ی دین انتقال یافته (یعنی پرداخت دین نه انتقال دین) را معلق به شرایطی سازد. به عبارت دیگر، طرفین عقد نمی توانند اثر عقد ضمان یعنی انتقال دین به ذمه ضامن و ایجاد تعهد ضامن به پرداخت دین را معلق به امری نمایند ولی می توانند شرط نمایند که دائن ابتدا به مدیون اصلی رجوع کند و در صورت عدم پرداخت وی طلب خود را از ضامن بخواهد. (التزام به تأدیه معلق) پس انتقال دین و ایجاد تعهد ضامن قابل تعلیق نیست اما وفای به عهد توسط ضامن قابل تعلیق است.

نکته ۲: ماده ۷۰۰ قانون مدنی مقرر می دارد: « تعلیق ضمان به شرایط صحت آن مثل این که ضامن قید کند که اگر مضمون عنه مدیون باشد، من ضامنم، موجب بطلان آن نمی شود». در حقیقت، معلق علیه باید امری خارج از شرایط اساسی صحت آن عقد باشد تا عقد به معنای واقعی کلمه، معلق محسوب شود. در مثال ماده ۷۰۰ ق.م. علت واقعی قلمداد نشدن تعلیق، این است که تعلیق ناظر به گذشته و یا زمان کنونی است. بی تردید در این زمان که وقوع عقد یا تعهد است باید کلیه شرایط صحت عقد وجود داشته باشد و منوط کردن وقوع عقد به وجود شرط صحت آن عقد، امری بی فایده و لغو است. به عبارت دیگر، ماده ۷۰۰ ق.م. ناظر به شرایط و عقود است که آن شرایط در آن عقود خاص، در زمان انعقاد عقد، باید وجود داشته باشد و تعلیق این عقود به آن شرایط، به این دلیل تعلیق واقعی نیست که اگر آن شرایط وجود داشته باشد، عقد، موجود تلقی می شود و اگر آن شرایط وجود نداشته باشد، عقد محکوم به بطلان است. برای مثال، در عقد بیع عین معین، اگر طرفین شرط نمایند که اگر مبیع وجود داشته باشد به تو فروختم، وجود مبیع در چنین عقدی، شرط صحت عقد است که اگر مبیع وجود داشته باشد عقد، صحیح و منجز تلقی می شود و اگر واقعا مبیعی وجود نداشت، عقدی به وجود نمی آید. به همین دلیل، تعلیق واقعی قلمداد نمی گردد و فایده ای ندارد.

۱۲) کدام مورد در خصوص اقدامات وکیل، صحیح است؟

- ۱- وکیل پس از استعفا، تحت هیچ شرایطی نمی تواند در مورد وکالت اقدام کند.
- ۲- چنانچه نامه عزل وکیل که در مسافرت است، ارسال گردد، اقدامات او نسبت به موکل نافذ نیست.
- ۳- چنانچه نامه عزل به اطلاع وکیل که در مسافرت است، برسد، اقدامات او نسبت به موکل نافذ نیست.
- ۴- چنانچه نامه عزل به اقامتگاه وکیلی که در مسافرت است، واصل گردد، اقدامات او نسبت به موکل نافذ نیست.

✓ **گزینه ۳.** بر اساس ماده ۶۸۰ قانون مدنی تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است. طبق این ماده، وکیل ظاهری در حکم وکیل واقعی قرار می گیرد و این امر بر مبنای مسئولیت مدنی موکل نیست تا مشروط به تقصیر موکل و ایجاد ضرر باشد. چراکه نفوذ عزل موکل پیش از آگاه شدن وکیل (حکم اولیه)، باعث ضررهای نامتعارف بر وکیل و طرف معامله می شود. در نتیجه، مقنن این حکم ضرری اولی را مرتفع ساخته و وکالت تا آگاه شدن وکیل یا طرف معامله باقی می ماند (حکم ثانویه). اگر ثابت شود که طرف معامله از عزل وکیل آگاه بوده است محلی برای استناد به قاعده لاضرر و رفع حکم اولیه باقی نمی ماند. در نتیجه عزل موکل نافذ خواهد بود.

چند نکته:

- ✓ اگر خبر عزل به وسیله پست به اقامتگاه وکیل ارسال شود، رسیدن نامه یا تلگراف به اقامتگاه او اماره بر آگاهی است که بر اصل عدم آگاهی غلبه می کند و از این پس، وکیل باید اثبات نماید که حادثه ناگهانی مانع از آگاه شدن او شده است. در فرض سوال، در گزینه ۴ وکیل در مسافرت است لذا اماره آگاهی از کار می افتد.
- ✓ اگر موکل وکیل را عزل کرده باشد بدون اینکه وکیل اطلاع از عزل داشته باشد با این وجود، خود نیز استعفا نماید تا زمان رسیدن خبر عزل به وی اقدامات وی نافذ است. چراکه بدون آگاهی از عزل، طبق م ۶۸۱ ق.م.م، مفروض است که موکل بر نیابت خویش هنوز پایبند است.

۱۳) در ضمن عقد اجاره یکساله، بر مستاجر شرط شده است که در مدت اجاره، باغچه موجر را که در مجاورت عین مستاجره قرار دارد، به صورت رایگان آبیاری نماید. در صورت تخلف مستاجر در سه ماهه اول و خشک شدن برخی درختان، کدام اقدام از سوی موجر متصور است؟

- ۱- فقط می تواند الزام به اجرای شرط فعل و مطالبه خسارت عدم اجرای شرط را بخواهد.
- ۲- پیش از فسخ قرارداد، باید الزام مستاجر را به ایفای شرط بخواهد.
- ۳- فقط می تواند خسارت ناشی از عدم اجرای شرط فعل را بخواهد.
- ۴- ابتدائاً حق فسخ قرارداد را دارد.

✓ **گزینه ۴.** طبق ماده ۴۹۶ قانون مدنی در «عقد اجاره ... نسبت به تخلف از شرایطی که بین موجر و مستاجر مقرر است خیار فسخ از تاریخ تخلف ثابت می گردد». بر این اساس، اگر در عقد اجاره شرط فعلی درج شود

اعم از اینکه موضوع شرط عملی مادی یا حقوقی باشد، به سود موجر باشد یا مستاجر و یا موضوع شرط معین باشد یا خیر و مشروط‌علیه از انجام آن شرط تخلف ورزد، مشروط‌له حق فسخ عقد را دارد بدون اینکه مجبور به الزام مشروط‌علیه باشد.

۱۴) مطابق قانون حمایت خانواده در خصوص انجام هزینه توسط زوجه از اموال خویش، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- هرگاه زوجه به اذن زوج، هزینه مخارج متعارف شخصی خود را از اموال خود ادا نماید، صرفاً در صورتی که ثابت شود قصد تبرع نداشته است، می‌تواند معادل آن را از زوج دریافت کند.
- ۲- هرگاه زوجه به اذن زوج، هزینه معالجه پسر خود را از اموال خود پرداخت نماید، در صورتی که ثابت شود قصد تبرع نداشته است، می‌تواند معادل آن را از زوج دریافت کند.
- ۳- هرگاه زوجه به پیشنهاد زوج، هزینه سفر برای ملاقات فرزندان را که در شهر دیگری تحصیل می‌کند {می‌کنند} تقبل کند حق مطالبه معادل آن را از زوج دارد، مگر اینکه قصد تبرع داشته باشد.
- ۴- هرگاه زوجه به اذن یا امر زوج، هزینه تحصیل فرزندان را پرداخت نماید، تحت هر شرایطی می‌تواند معادل آنچه را که هزینه نموده از زوج مطالبه کند.

✓ **گزینه ۳.** ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از وی دریافت نماید».

نکته ۱: بر اساس این ماده در فرض تردید در تبرعی بودن یا نبودن عمل زوجه، اصل عدم تبرع است و مدعی تبرعی بودن باید آن را اثبات کند. لذا گزینه ۲ راجع به معالجه نادرست است. زیرا اصل عدم تبرع است و زوجه برای مطالبه نیازی به اثبات تبرعی بودن ندارد بلکه زوج باید تبرعی بودن عمل زوجه را اثبات نماید.

نکته ۲: بر این اساس، گزینه ۴ راجع به پرداخت هزینه تحصیل نیز نادرست می‌باشد. زیرا عبارت «تحت هر شرایطی» موید این معنی است که حتی اگر زوجه قصد تبرع نیز داشته باشد باز می‌تواند هزینه‌های انجام شده را مطالبه کند. درحالی که چنین معنایی نه تنها خلاف اصول و قواعد مسلم حقوقی است بلکه با ظاهر ماده ۳۰ نیز هماهنگی ندارد. زیرا مطابق ماده مزبور، زوج در صورت اثبات تبرع زوجه، از پرداخت هزینه‌ها معاف می‌شود.

نکته ۳: طبق ماده ۳۰ قانون مارالذکر، در صورتی زوجه می‌تواند هزینه‌های پرداختی را دریافت نماید که سه شرط موجود باشد: ۱- زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود هزینه کرده باشد. ۲- زوجه برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه کرده باشد ۳- زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند. گزینه ۱ راجع به هزینه‌های شخصی، ظاهراً مفهوم مخالف ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده را به ذهن متبادر می‌کند و بعید نیست که گزینه صحیح مورد نظر طراح سوال باشد به ویژه اینکه سوال طبق قانون حمایت خانواده طرح شده است اما، این گزینه نیز طبق اصول و قواعد به هیچ صورتی نمی‌تواند صحیح دانسته شود. زیرا هزینه‌های شخصی و متعارف زوجه یا برعهده زوج قرار دارد یا خیر. اگر بر

عهده زوج باشد اذن زوج به زوجه برای پرداخت از دارایی اش کافی برای مطالبه است و طبق ظاهر همین ماده و ماده ۳۳۷ قانون مدنی و اصول و قواعد حقوقی، اصل عدم تبرع است لذا ضرورتی ندارد تا زوجه عدم تبرع خویش را اثبات کند. حال اگر هزینه شخصی زوجه بر عهده زوج نباشد، داشتن قصد تبرع یا نداشتن آن سالبه به انتفای موضوع است. وانگهی در چنین فرضی اذن زوج نیز تاثیری در موضوع ندارد. زیرا فرض بر این است که هزینه های شخصی زوجه بر عهده خود زوجه است و اذن دیگری مانند این است که مدیون برای پرداخت دین خود از شخص ثالثی اذن بگیرد!

نکته ۴: گزینه صحیح گزینه ۳ است هرچند در ابتدای گزینه به جای واژه های اذن یا امر از واژه پیشنهاد استفاده شده است. توضیح آنکه ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده یکی از مصادیق استیفا از مال غیر در ماده ۳۳۷ ق.م. است و در قواعد استیفا برخلاف ظاهر قانون مدنی، ضمن بکارگیری مفاد ماده ۳۳۶ در استیفای از مال و ماده ۳۳۷ در استیفا از عمل بیان می شود که واژه «امر» در ماده ۳۳۶ ق.م. به معنی خواستن است نه صرف فرمان یا دستور دادن. زیرا جز در موارد استثنایی هیچ کسی بر دیگری سلطه ای ندارد. در هر حال منظور این است که استیفا خواه به درخواست یا پیشنهاد یا دستور دیگری باشد تفاوتی ندارد نه اینکه مختص دستور باشد (دکتر کاتوزیان، وقایع حقوقی، صص ۲۴۲ و ۲۴۳).

۱۵) اگر مالک ذمه یکی از ضامنین را نسبت به بدل مال مغضوب و منافع آن ابرا نماید، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- مالک حق مطالبه منافع مال مغضوب را از غاصبین سابق دارد.
- ۲- مالک برای مطالبه منافع مال مغضوب، فقط حق رجوع به لاحقین را دارد.
- ۳- مالک برای مطالبه قیمت مال مغضوب حق رجوع به غاصبین بعدی را دارد.
- ۴- مالک برای مطالبه مثل مال مغضوب و منافع آن حق رجوع به هیچ یک از غاصبین را ندارد.

✓ گزینه ۱.

نکته ۱: هرگاه غاصب ذمه یکی از غاصبین را از پرداخت مثل یا قیمت ابرا کند به معنای اسقاط اصل طلب است نه محدود کردن امکان مراجعه. پس حق رجوع به غاصبین دیگر را ندارد زیرا یک دین است که بر عهده چند نفر قرار دارد و اسقاط آن، همه را بری می کند (م ۳۲۱ ق.م.).

نکته ۲: اگر مالک حق خود را به یکی از غاصبین به نحوی از انحاء (معوض یا غیرمعوض) انتقال دهد و مال در دست غاصب منتقل الیه تلف شده باشد، انتقال مالک سبب مالکیت ما فی الذمه غاصب متلف و سقوط دین می شود بدون اینکه حق رجوع به غاصبین دیگر داشته باشد.

نکته ۳: اگر مالک از حق رجوع به یکی از غاصبین بگذرد، این اسقاط مانع از رجوع به دیگران نیست.

نکته ۴: ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت (م ۳۲۲ ق.م.). زیرا هر غاصب در برابر مالک، ضامن منافع زمان تصرف خویش و دستهای لاحق خود است.

پایگاه خبری

اکتبار

www.Ekhtabar.com

۱۶) در ارتباط با احکام عده، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- عده فسخ نکاح در مورد نکاح منقطع، سه طهر است.
- ۲- عده وفات در نکاح دائم و منقطع یکسان است.
- ۳- اگر بین زوجین نزدیکی واقع نشده باشد عده فسخ نکاح دو طهر است.
- ۴- عده طلاق در زنی که به اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند ۴۵ روز است.

✓ گزینه ۲.

نکته ۱: عده زوجه منقطعه پس از جدایی از زوج در غیر زن حامله دو طهر است اعم از اینکه جدایی به علت فسخ نکاح یا انقضا و بذل مدت باشد ولی عده فسخ نکاح یا طلاق در نکاح دائم سه طهر است. وانگهی عده زوجه منقطعه ای که با اقتضای سن عادت نبیند ۴۵ روز است ولی در نکاح دائم سه ماه است (مواد ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲ ق.م.).

نکته ۲: عده وفات و عده زن حامله در مورد هر دو نوع نکاح یکسان است (مواد ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴ ق.م.).

۱۷) در خصوص وصیت، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- در صورت رد وصیت قبل از فوت، قبول موصی له بعد از فوت بدون قبض اثری ندارد.
- ۲- در صورت قبول وصیت بعد از فوت موصی و بعد از قبض موصی به رد وصیت ممکن نیست.
- ۳- در صورت قبول وصیت از سوی موصی له قبل از فوت موصی و قبض موصی به، وصیت قابل رجوع نیست.
- ۴- چنانچه وصیت در زمان حیات موصی قبول شده باشد، ولی موصی به قبض نشده باشد، قبول بعد از فوت لازم است.

✓ گزینه ۲.

نکته ۱: به موجب ماده ۸۳۰ قانون مدنی، نسبت به موصی له، رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است. بنابراین، اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد، بعد از فوت می تواند آن را قبول کند، و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد، دیگر نمی تواند آن را رد کند، لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست.

نکته ۲: قبول موصی له قبل از فوت موصی، معتبر و موثر نیست اما تنها اثری که دارد این است که بعد از فوت موصی، قبول ثانوی لازم نیست. علت لازم نبودن قبول دوباره، اعتبار نخستین قبول در زمان حیات نیست بلکه دوام رضای موصی له و استصحاب بقای آن است.

نکته ۳: اگر موصی له بعد از قبول وصیت در زمان حیات موصی، در همان دوران وصیت را رد کند، بعد از فوت دوباره باید آن را قبول کند. زیرا با این که رد موصی له در زمان حیات موصی ایجاب را از بین نمی برد، استصحاب بقای رضای موصی له را قطع می کند.

نکته ۴: قبض در وصیت تملیکی شرط لزوم وصیت است لذا اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد، دیگر نمی تواند آن را رد کند.

۱۸) شخصی مدعی است پولی را به عنوان قرض به دیگری پرداخته و مقتضی ادای دین نکرده است، کدام مورد از اقرارهای زیر تجزیه پذیر است؟

- ۱- از مدعی پول گرفته ام، اما نیمی از مدعی به را پرداخت کردم.
 - ۲- از مدعی پول گرفته ام اما بابت غرامت تلف اموال من بوده است.
 - ۳- از مدعی پول گرفته ام، اما تأدیه آن در یک سال آینده شرط شده است.
 - ۴- از مدعی پول گرفته ام، اما بابت خدمات مربوط به تعمیر اتومبیل وی بوده است.
- ✓ گزینه ۱. اقرار مقید (موصوف) قابل تجزیه نیست اما اقرار مرکب قابل تجزیه می باشد.

- ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی: اگر موضوع اقرار در محکمه مفید به قید یا وصفی باشد مقرله نمیتواند آنرا تجزیه کرده و از قسمتی از آن که بنفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرفنظر کند.
 - ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی: اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر باشد که ارتباطی تامی با یکدیگر داشته باشند مثل اینکه مدعی علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.
 - ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی: در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است میتواند نسبت به آنچه که مورد ادعای او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند. مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است
- توجه: اقرار به سه دسته تقسیم می شود:

- ۱- اقرار ساده (بسیط): اگر تمام مطلب مورد ادعای مدعی توسط مدعی علیه پذیرفته شود، اقرار مدعی علیه ساده تلقی می شود. مثل اینکه خواهان ادعا نماید که «من مبلغ ۱۰ میلیون تومان به عنوان ثمن بیع از خواننده طلب داشتم و خواننده نیمی از آن را پرداخت نموده و نیمی دیگر را هنوز پرداخت نکرده است» و خواننده تمام ادعای خواهان را قبول کند.
- ۲- اقرار مقید (موصوف): مثل اینکه خواهان ادعا کند که مبلغ ۱۰ میلیون تومان از خواننده طلبکار است و مدعی علیه مبلغ مورد ادعا را بپذیرد ولی بگوید که مقید به مدت بوده است که باید بعد از دو سال آن را بپردازد. اقرار مقید و موصوف تجزیه نمی شود. لذا مقرله نمیتواند آنرا تجزیه کرده و از قسمتی از آن که بنفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرفنظر کند.
- ۳- اقرار مرکب: مثل اینکه مدعی علیه، همراه با اقرار به اخذ وجه از مدعی، اظهار نماید که آن وجه دریافتی را پرداخت نموده است. در این مثال، استثنایی که بر اقرار افزوده می شود و آن را بی اثر یا محدود می سازد رویدادی است مستقل که پس از ایجاد حق اتفاق می افتد و نیاز به اثبات دارد. لذا اقرار مرکب قابل تجزیه است.

۱۹) در خصوص ارث اعمام و احوال و اولاد آنها، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- در صورت انحصار ورثه به دو عمو و یک پسر عموی ابوینی، همگی ارث می برند.
- ۲- در صورت انحصار ورثه به یک خاله، یک دایی و پسر عموی ابوینی، همگی ارث می برند.

- ۳- در صورت انحصار ورثه به دو پسر عمومی ابوینی یک دایی و یک عمو، همگی ارث می برند.
- ۴- در صورت انحصار ورثه به یک پسر عمومی ابوینی و یک عموی ابی، فقط پسر عمومی ارث می برد.
- ✓ **گزینه ۴.** طبق م ۹۳۶ ق.م.، هرگاه از میان خویشان نسبی تنها پسر عمومی ابوینی و عموی ابی باشند استثنائاً در این مورد پسرعمو، عمو را از ارث محروم می کند مشروط بر اینکه خویشاوندان نسبی در طبقه سوم و درجه های اول و دوم، منحصر به همین دو شخص باشند. لذا در صورتی که در طبقه سوم حتی اگر یک خویشاوند هم درجه دیگر همراه با پسرعمو یا عمو باشد استثنای مزبور منتفی می شود.

۲۰) والدین صغیری نگهداری او را در ساعات اداری به موجب قرارداد به مهد کودک سپرده اند در همین مدت، صغیر به دیگری خسارت وارد می سازد، کدام مورد در خصوص مسئولیت جبران خسارت، صحیح است؟

- ۱- اصولاً والدین مسئول جبران خسارت هستند، مگر اینکه ثابت کنند تقصیری در تربیت طفل نکرده اند.
- ۲- صغیر مسئول است و باید از مال او، جبران خسارت شود.
- ۳- صغیر، مهد کودک و والدین، مسئولیت تضامنی دارند.
- ۴- مهد کودک در هر حال مسئول جبران خسارت است.

گزینه ۲. گزینه های ۱ و ۳ و ۴ به هیچ وجه صحیح نمی باشند. گزینه ۲ نیز که صحیح ترین پاسخ سوال می باشد، ظاهراً با توجه به رای وحدت رویه شماره ۶۰/۱ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۹ طرح شده است و می بایست به خسارات ناشی از جرم اختصاص داده می شد نه هر خسارتی به طور مطلق. چراکه رای وحدت رویه تنها خسارات ناشی از جرم را از دایره شمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی خارج می کند. رای وحدت رویه مزبور، بیان می دارد: مطابق مواد ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون مدنی در صورتی که صغیر باعث ضرر غیر شود خود ضامن و مسئول جبران خسارت است و ولی او به علت عدم اهلیت صغیر نماینده قانونی وی می باشد. بنابراین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزاً به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به مالی از اموال خود او استیفاء خواهد شد. بنا به مراتب مذکور رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور از نظر توجه مسئولیت جبران خسارت ناشی از جرم به شخص صغیر صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

نکته ۱: فارغ از بحث پیرامون اطلاق مناقشه برانگیز رای وحدت رویه، باید رای مذکور را با رعایت حکم ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تفسیر نمود. رای وحدت رویه نسبت به حکم ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی از دو جهت خاص تلقی می شود. جهت اول که در متن سوال نیز رعایت شده است این است که اختصاص به صغیر دارد. جهت دوم که در سوال مورد توجه قرار نگرفته است این است که رای وحدت رویه در مورد خسارات ناشی از جرم است نه هر خسارتی. لذا به غیر از خسارات ناشی از جرمی که صغیر مرتکب آن شده است، در سایر موارد باید به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی نیز توجه کرد.

نکته ۲: طبق م ۷ ق.م.م. در صورت تقصیر سرپرست در حفظ و نگهداری مجنون یا صغیر، سرپرست در مقابل زیان دیده مسئول جبران خسارات است مگر اینکه سرپرست استطاعت نداشته باشد که از اموال صغیر

یا مجنون جبران خسارت می شود. در فرض عدم تقصیر سرپرست، طبق م ۱۲۱۶ ق.م. و مفهوم مخالف م ۷ ق.م.م، خود صغیر یا مجنون در برابر زیان دیده مسئول است. در نتیجه اگر صغیر یا مجنون استطاعت نداشته باشد، زیان دیده نمی تواند از سرپرستی که مقصر نیست خسارت را مطالبه کند و حکم استثنایی م ۷ ق.م.م، مختص به همان مورد مذکور در قانون است.

نکته ۳: م ۷ ق.م.م، حکمی استثنایی است که اختصاص به مجنون و صغیر دارد نه سفیه.

نکته ۴: شخصی که به موجب قانون مسئول نگهداری و مواظبت است مثل ولی قهری یا پدر و مادر و مانند اینها و شخصی که به موجب قرارداد مسئول نگهداری است مثل مربی و مسئول مهد کودک یا مدیر تیمارستان و مانند اینها.

نکته ۵: هرگاه چند شخص به طور همزمان مسئول نگهداری و مواظبت صغیر یا مجنون باشند مثل پدر و مادر در زندگی مشترک، در صورت تقصیر در نگهداری، مسئولیت تضامنی آنها در برابر زیان دیده مرجح دانسته شده است (دکتر کاتوزیان، مسئولیت مدنی، ج ۲، ص ۴۴).

نکته ۶: برخی واژه صغیر در م ۷ ق.م.م. را جهت هماهنگی با قوانین مدنی منصرف به صغیر غیر ممیز دانسته اند (دکتر امامی، حقوق مدنی، ج ۵، صص ۲۵۳ و ۲۵۴). در حالی که اطلاق واژه صغیر شامل هر دو دسته ممیز و غیر ممیز می شود (دکتر صفایی و قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ص ۲۶۱).

نکته ۷: اهلیت در اسباب فعلیه (افعال، اعمال زینبار) شرط نیست و تنها ناظر به اسباب قولیه (اقوال) یعنی عقود و ایقاعات است. لذا تقصیر در مسئولیت مدنی مفهوم نوعی دارد که عبارت است از رفتار غیر متعارف و به قوه تمییز و درک و اراده شخص توجهی نمی شود. در نتیجه محجورین نیز می توانند مقصر باشند اگر مانند یک انسان متعارف رفتار نکنند.

آیین دادرسی مدنی:

۲۱) چنانچه اصل دعوای تحویل مال منقول، در صلاحیت دادگاه عمومی تبریز باشد و موضوع درخواست تامین خواسته همجان عین معین باشد که در مقر دادگاه عمومی تهران موجود است، درخواست تامین خواسته باید به کدام دادگاه داده شود؟

۱- تبریز

۲- تهران

۳- تبریز یا تهران به انتخاب خواهان

۴- چون موضوع درخواست مال منقول است، صدور قرار تامین خواسته ممکن نیست.

✓ **گزینه ۱.** مطابق ماده ۱۱۱ ق.آ.د.م، درخواست تامین از دادگاهی می شود که صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد.

۲۲) چنانچه قرار اتیان سوگند بتی صادر شود و مدعی علیه سوگند یاد نماید، آیا مدعی می تواند پس از اتیان سوگند مدعی علیه، دعوای خود را با دلیل دیگری، اثبات نماید؟

۱- بلی، تنها در دعوای بر وراث میت می تواند.

۲- تنها در دعوای وراث بر میت نمی تواند.

۳- بلی، می تواند.

۴- خیر، نمی تواند.

✓ **گزینه ۴.** سوگند بتی یا قاطع دعوا سوگندی است که به وسیله آن حسب مورد، ادعای مدعی ساقط و یا اثبات می شود. بر اساس ماده ۱۳۳۱ قانون مدنی، قسم قاطع دعوی است و هیچگونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد. پس هرگاه مدعی علیه ادعای مدعی را انکار و بر آن سوگند یاد کند، از مدعی دلیل اثبات ادعا پذیرفته نمی شود. وانگهی حتی در مرحله تجدیدنظر نیز اظهار منافی با سوگند از جانب مدعی شنیده نمی شود. البته در مرحله تجدیدنظر تنها می توان به عللی از قبیل مربوط نبودن موضوع سوگند با ادعا یا موثر نبودن سوگند در دعوا، نبودن شرایط سوگند، عدم رعایت تشریفات سوگند و غیره استناد نمود (دکتر شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، ص ۲۸۰).

۲۳) حکم راجع به فسخ نکاح که از دادگاه تجدید نظر استان صادر شده باشد، در کدام صورت نهایی محسوب می شود؟

۱- حکم دادگاه تجدید نظر استان، نهایی است.

۲- فقط در صورتی که در دیوان عالی کشور ابرام شود.

۳- چنانچه در دیوان عالی کشور ابرام شود و یا مهلت فرجام آن منقضی شود.

۴- فقط در صورتی که در دیوان عالی کشور ابرام شود و فسخ نیز در دفتر اسناد ثبت شود.

✓ **گزینه ۳.** ماده ۳۶۸ ق.آ.د.م. مقرر می دارد: آرای دادگاههای تجدیدنظر استان قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف - احکام: احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف.

ب - قرارهای زیر مشروط به اینکه اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد.

۱ - قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد.

۲ - قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.

۲۴) کدام مورد در خصوص گرفتن تامین از درخواست کننده دستور موقت، صحیح است؟

۱- الزامی نیست.

۲- الزامی است که باید وجه نقد باشد.

۳- الزامی است که می تواند وجه نقد نباشد.

۴- تنها اگر مستند دعوا سند رسمی نباشد، الزامی است که می تواند وجه نقد نباشد.

✓ **گزینه ۳.** بر اساس ماده ۳۱۹ ق.آ.د.م.، دادگاه مکلف است برای جبران خسارت احتمالی که از دستور موقت حاصل می شود از خواهان تامین مناسبی اخذ نماید. در این صورت صدور دستور موقت منوط به سپردن تامین می باشد.

۲۵) اگر وجه نقد مورد مطالبه در دعوا متعلق به مجنونی باشد که جنون متصل به زمان صغر نیست، خواهان دعوا کیست؟

۱- محجور

۲- قیم

۳- ولی خاص

۴- اداره سرپرستی صغار و مجانین

✓ **گزینه ۱.** خواهان شخصی است که حق ادعایی متعلق به اوست و نتیجه دادرسی، هر چه باشد، بر او بار می شود. لذا اگر خواهان محجور باشد، نام و مشخصات وی باید در قسمت مربوط دادخواست قید شود.

۲۶) اگر روز جلسه دادرسی، با تعطیلی غیر منتظره مصادف شود، وقت جلسه باید چگونه تعیین شود؟

۱- باید دو ماهه تعیین و به اصحاب دعوا حضورا ابلاغ شود.

۲- باید دوباره تعیین و به اصحاب دعوا ابلاغ شود.

۳- باید یک ماهه تعیین شود و ابلاغ لازم نیست.

۴- فردای روز تعطیل است.

✓ **گزینه ۲.** هر چند مطابق تبصره ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، ظاهرا گزینه ۱ ممکن است صحیح به نظر آید اما، باید توجه داشت که جلسه خارج از نوبت نیز (جز در موارد استثنایی مثل ماده ۱۷۷)، با رعایت تشریفات دادرسی انجام می شود و تفاوت آن با جلسه دادرسی عادی این است که وقت آن بدون در نظر گرفتن نوبت تعیین می شود.

۲۷) در خصوص مهلت اعتراض شخص ثالث اصلی به رای دادگاه، کدام مورد صحیح است؟

۱- مهلت ندارد، مگر معترض از دادرسی منتهی به رای، آگاه بوده باشد.

۲- در هر حال، مهلت آن دو ماه از تاریخ اطاع شخص ثالث از رای است.

۳- در هر حال، مهلت آن بیست روز از تاریخ اطاع شخص ثالث از رای است.

۴- مهلت ندارد، حتی اگر معترض از دادرسی منتهی به رای، آگاه بوده باشد.

✓ **گزینه ۴.** در حقوق ایران برای طرح اعتراض شخص ثالث مهلتی تعیین نشده است. لذا آرای محاکم بدون محدودیت زمانی قابل اعتراض شخص ثالث می باشند اعم از اینکه شخص ثالث از رای آگاه

بوده یا نبوده باشد. بنابراین، حتی در مواردی که رای به شخص ابلاغ شده باشد می تواند بدون محدودیت زمانی نسبت به آن اعتراض نماید. برای مثال اگر رای علیه اصیل (موکل) صادر شود و به نماینده او (وکیل) که در دادرسی دخالت داشته ابلاغ شود، این نماینده می تواند بدون محدودیت زمانی به آن رای اصالتاً اعتراض ثالث نماید (دکتر شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، ص ۵۱۵).

۲۸) چنانچه متصرف عدوانی، در ملک مورد تصرف، ساختمان احداث کرده باشد و حکم به رفع تصرف عدوانی صادر شود، در مورد اجرای آن، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- بعد از قطعیت اجرا می شود و ساختمان در صورتی باقی می ماند که متصرف، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم، دعوای مالکیت ملک را اقامه نماید.
- ۲- قبل از قطعیت اجرا می شود و ساختمان در صورتی باقی می ماند که متصرف، ظرف یک ماه از تاریخ اجرای حکم، دعوای مالکیت ملک را اقامه نماید.
- ۳- بلافاصله بعد از صدور اجرا می شود و ساختمان تخریب می گردد.
- ۴- بلافاصله بعد از قطعیت اجرا می شود و ساختمان تخریب می گردد.

✓ **گزینه ۲.** مطابق ماده ۱۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، هرگاه در ملک مورد تصرف عدوانی، متصرف پس از تصرف عدوانی غرس اشجار یا احداث بنا کرده باشد، اشجار و بنا در صورتی باقی می ماند که متصرف عدوانی مدعی مالکیت مورد حکم تصرف عدوانی باشد و در ظرف یک ماه از تاریخ اجرای حکم، در باب مالکیت به دادگاه صلاحیتدار دادخواست بدهد.

۲۹) در دعوای علیه متوقف، اگر خواننده درخواست صدور قرار تامین خسارات احتمالی وارد به خود را نماید، دادگاه چه تصمیمی اتخاذ می کند؟

- ۱- با تعیین میزان خسارات احتمالی، قرار تامین صادر می کند.
- ۲- بدون تعیین خسارت احتمالی، قرار تامین صادر می کند.
- ۳- قرار رد درخواست تامین صادر می کند.
- ۴- قرار تامین صادر می کند، اما برای تعیین خسارت به کارشناس رجوع می شود.

✓ **گزینه ۳.** ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در این ارتباط اعلام می دارد: در دعوایی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در مورد دعوای مستند به اسناد رسمی و دعوای علیه متوقف، خواننده نمی تواند برای تامین خسارات احتمالی خود تقاضای تامین نماید.

۳۰) دعوای مطالبه مهریه غیر منقول را زوجه، در کدام دادگاه می تواند اقامه نماید؟

- ۱- محل وقوع مال غیر منقول
- ۲- محل اقامت زوج یا محل سکونت زوجه

۳- محل وقوع مال غیر منقول یا محل اقامت زوج

۴- محل وقوع مال غیر منقول یا محل سکونت زوجه

✓ **گزینه ۱.** بر اساس ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد.

(۳۱) اگر در وکالتنامه وکیل دادگستری تصریح نشده باشد، وکیل حق اقدام در کدام یک از موارد زیر را دارد؟

۱- درخواست دستور موقت، افزایش خواسته، تعیین داور.

۲- درخواست دستور موقت، ارجاع به داوری، دفاع از دعوی متقابل.

۳- درخواست تامین خواسته، افزایش خواسته، اعتراض به حکم غیابی.

۴- درخواست تامین خواسته، درخواست دستور موقت، افزایش خواسته.

✓ **گزینه ۴.** ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می دارد: وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده باشد، یا توکیل در آن خلاف شرع باشد لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالتنامه تصریح شود:

۱- وکالت راجع به اعتراض به رای، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی.

۲- وکالت در مصالحه و سازش.

۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.

۴- وکالت در تعیین جاعل.

۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.

۶- وکالت در توکیل.

۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.

۸- وکالت در دعوی خسارت.

۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.

۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث.

۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ورود ثالث.

۱۲- وکالت در دعوی متقابل و دفاع درقبال آن.

۱۳- وکالت در ادعای اعسار.

۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

تبصره ۱- اشاره به شماره های یادشده در این ماده بدون ذکر موضوع آن تصریح محسوب نمی شود.

تبصره ۲- سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی باشند.

۳۲) در دعاوی راجع به اموال غیر منقول چنانچه خواهان خواسته را کمتر از بهای واقعی تقویم نماید، کدام یک از موارد زیر صحیح است؟

- ۱- در هزینه دادرسی موثر است، اما در مراحل بعدی رسیدگی موثر نیست.
- ۲- در هزینه دادرسی موثر نیست، اما در مراحل بعدی رسیدگی موثر است.
- ۳- در هردو مورد، موثر است.
- ۴- در هیچ یک، موثر نیست.

✓ **گزینه ۲.** مطابق بند ۱۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۷۳ در دعاوی مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیر منقول، بهای خواسته از نقطه نظر صلاحیت همان است که خواهان در دادخواست تعیین کرده است اما از نظر هزینه دادرسی باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و بر اساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود. در این دسته از دعاوی چنانچه به بهای خواسته اعتراض شود و این اعتراض در مراحل بعدی رسیدگی موثر باشد، دادگاه باید طبق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین نماید و همین بها مبنای هزینه دادرسی و مراحل بعدی رسیدگی خواهد بود.

۳۳) در صورت فسخ کدام یک از قرارهای زیر در دادگاه تجدید نظر استان، همان دادگاه تجدیدنظر ملزم به رسیدگی ماهیتی می باشد؟

- ۱- قرار رد دادخواست ورود شخص ثالث، قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث.
- ۲- قرار عدم استماع دعوا، قرار عدم اهلیت خوانده.
- ۳- قرار ابطال دادخواست تجدید نظر، قرار رد دعوا.
- ۴- کلیه قرارهای دادگاه بدوی.

✓ **گزینه ۱.** مطابق ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث، با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر است. در صورتی که قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، پس از فسخ قرار، رسیدگی به آن با دعوای اصلی، در دادگاهی که به عنوان تجدیدنظر رسیدگی می نماید، به عمل می آید.

۳۴) چنانچه وجه نقد محکوم علیه نزد ثالث بازداشت شود، اما ثالث از تسلیم آن به مامور اجرا خودداری نماید، مامور اجرا کدام اقدام زیر را انجام میدهد؟

- ۱- باید وجه توقیف شده به دستور دادگاه آزاد شده و مال دیگری از محکوم علیه معرفی گردد.
- ۲- محکوم علیه، باید علیه ثالث اقامه دعوی مطالبه وجه نماید.
- ۳- محکوم له، باید علیه ثالث اقامه دعوی مطالبه وجه نماید.
- ۴- به میزان وجه مزبور، از دارایی ثالث توقیف خواهد شد.

✓ **گزینه ۴.** بر اساس ماده ی ۹۴ قانون اجرای احکام مدنی، هرگاه شخص ثالث از تادیه ی وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید، به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف خواهد شد.

۳۵) چنانچه در دعوی زوجیت حکم دادگاه تجدید نظر علیه خواهان صادر شود اما این حکم، پس از اعاده دادرسی، فسخ و حکم بر اثبات زوجیت صادر شود، محکوم علیه این حکم چه اقدامی می تواند انجام دهد؟

- ۱- فقط می تواند دعوی خسارت اقامه نماید.
 - ۲- می تواند نسبت به این حکم فرجام خواهی نماید.
 - ۳- حق هیچ اقدامی ندارد زیرا حکم قطعی و امر مختومه شده است.
 - ۴- فقط می تواند نسبت به حکم اثبات زوجیت، مجدداً اعاده دادرسی نماید.
- ✓ **گزینه ۲.** مطابق ماده ۴۳۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، هرگاه پس از رسیدگی، دادگاه درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می نماید. این حکم از حیث تجدیدنظر و فرجام خواهی تابع مقررات مربوط خواهد بود.

۳۶) کدام مورد در خصوص گزارش اصلاحی، صحیح است؟

- ۱- حکم تلقی می شود و قابل تجدید نظر است.
- ۲- حکم تلقی می شود و پس از قطعیت، اعتبار امر مختومه دارد.
- ۳- مانند حکم دادگاه به موقع اجرا گذاشته می شود و قابل واخواهی و تجدید نظر خواهی نیست.
- ۴- مانند حکم دادگاه به موقع اجرا گذاشته می شود و قابل تجدید نظر نیست، مگر اینکه از شورای حل اختلاف صادر شده باشد.

✓ **گزینه ۳.** سازش نامه قابل تجدیدنظر، فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث نمی باشد زیرا رای شمرده نمی شود اما می تواند موضوع دعوی بطلان قرار گرفته و نیز می توان در محدوده ماده ۷۶۱ قانون مدنی، نسبت به آن دعوی فسخ اقامه نمود. زیرا دادگاه در نوشتن آن در صورت مجلس همان نقشی را ایفا می کند که سردفتر اسناد رسمی در تنظیم سازش نامه ایفا می کند (دکتر شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، ص ۵۱۲).

- ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی: دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید مفاد سازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می شود نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می شود، چه اینکه مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعوی یا امور دیگری باشد.
- ماده ۳۰ قانون شورای حل اختلاف: گزارش اصلاحی شورا قابل اعتراض نمی باشد و قطعی است.

پایگاه خبری

اکتبر

۳۷) اعاده دادرسی طاری، در کدام مرجع مورد رسیدگی قرار می گیرد؟

- ۱- دیوان عالی کشور.
- ۲- دادگاه صادر کننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی.
- ۳- دادگاهی که در آنجا، حکم به عنوان دلیل ابراز شده است.
- ۴- دادگاهی که دعوا در آن مطرح است، مگر اینکه درجه دادگاه پایین تر از دادگاهی باشد که رای مورد اعاده دادرسی را صادر کرده است.

✓ **گزینه ۲.** بر اساس ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می دارد مکلف است آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و تشخیص دهد حکمی که در خصوص درخواست اعاده دادرسی صادر می گردد موثر در دعوا می باشد، رسیدگی به دعوای مطروحه را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن موثر است تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تاخیر می اندازد و در غیر این صورت به رسیدگی خود ادامه می دهد. تبصره - چنانچه دعوایی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد و درخواست اعاده دادرسی نسبت به آن شود، درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می گردد. در صورت قبول درخواست یادشده از طرف دادگاه، رسیدگی در دیوان عالی کشور تا صدور حکم متوقف خواهد شد.

۳۸) چنانچه هیئت سه نفره داوری متشکل از داور اختصاصی هر یک از طرفین و داور مرضی

الطرفین تعیین شود، در مورد عزل داور توسط یکی از طرفین کدام مورد صحیح است؟

- ۱- هر یک می تواند داور اختصاصی خود را عزل نماید مگر اینکه صریحاً حق عزل را ساقط نموده باشد.
- ۲- هر یک می تواند داور اختصاصی خود و داور مرضی الطرفین را عزل نماید.
- ۳- هر یک فقط می تواند داور اختصاصی خود را عزل نماید.
- ۴- هیچ یک از طرفین نمیتواند هیچ یک از داوران را عزل نماید.

✓ **گزینه ۴.** به موجب ماده ۴۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی (اعم از داور اختصاصی یا مشترک).

۳۹) در مرحله اجرای حکم قطعی محکومیت به پرداخت وجه و عدم امکان استیفای محکوم به، در کدام

صورت محکوم علیه حبس نمی شود؟

- ۱- ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ اجراییه، دادخواست اعسار بدهد.
- ۲- ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ اجراییه، کفیل یا وکیل معرفی کند.
- ۳- ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، دادخواست اعسار بدهد.
- ۴- در هر صورت، به تقاضای محکوم له حبس می شود.

✓ **گزینه ۱.** به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی اگر استیفای محکوم به از

طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای

حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می شود. چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

۴۰) در صورتی که یکی از دو قاضی شعبه تجدید نظر دیوان عدالت اداری، به اشتباه شکلی خود در رای که صادر نموده پی ببرد، چه اقدامی باید انجام دهد؟

- ۱- هیچ اقدامی نمی تواند انجام دهد.
 - ۲- مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام و رئیس دیوان پرونده را نزد رئیس قوه قضائیه می فرستد.
 - ۳- مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام و در هر حال، پرونده باید جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض ارجاع شود.
 - ۴- مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام و رئیس دیوان می تواند پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض ارجاع دهد.
- ✓ گزینه ۳. به موجب ماده ۷۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادر کننده رأی در شعبه تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می دهد.

حقوق تجارت:

۴۱) کدام مورد در خصوص خرید لوازم خانگی توسط تاجر برای جهیزیه دختر خود از مغازه خرده فروشی، صحیح است؟

- ۱- چنانچه ثمن از صندوق تجارتخانه پرداخت شود، مشمول عمل تجاری است.
 - ۲- در صورتی که فروشنده تاجر باشد، عمل تجاری است.
 - ۳- عمل تجاری محسوب می شود.
 - ۴- به هیچ وجه تجاری نیست.
- ✓ گزینه ۴. بر اساس ماده ۳ قانون تجارت معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود:
- ۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.
 - ۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می نماید.
 - ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود

می‌نماید.

نکته ۱: شخص در صورتی تاجر محسوب می‌شود که یکی از اعمال تجاری ذاتی را شغل خود قرار دهد. پس از اینکه شخص تاجر تلقی شده است هر عملی را که وی انجام دهد اگر ذاتا تجاری باشد آن عمل ذاتا تجاری محسوب می‌شود نه تبعی. اما اگر ذاتا تجاری نباشد و برای رفع حوایج شخصی تاجر نیز نباشد آن عمل غیرتجاری، عمل تجاری تبعی محسوب خواهد شد. بر این اساس، هرگاه اعمال خدمه و شاگردان تاجر ذاتا تجاری باشد به عنوان اعمال تجاری تبعی محسوب نمی‌شوند تا تابع شرایط آن باشند. بلکه اعمال غیر تجاری ای که خدمه و شاگرد تاجر برای امور تجاری صاحب کار خود انجام می‌دهند به تبع تاجر بودن صاحب کار تجاری محسوب می‌شود.

نکته ۲: باید توجه نمود که طبق بند ۱ ماده ۳، ظاهر قانون کلیه معاملات تاجر با تاجر را عمل تجاری تبعی قلمداد نموده است اعم از اینکه برای حوایج تجاری باشد یا خیر. اما طبق دیدگاه مشهور و جهت هماهنگی بند ۱ ماده ۳ با بند ۲ ماده ۳ و ماده ۵ قانون تجارت، معامله تاجر با تاجر در صورتی تجاری محسوب می‌شود که برای حوایج تجاری انجام گرفته باشد.

۴۲) متصدی حمل و نقل، کار حمل را به دیگری واگذار نموده است. در صورت بروز حوادث،

کدام مورد صحیح است؟

۱- شخصاً مسوول بوده و حق رجوع وی به متصدی بعدی محفوظ است.

۲- هیچ مسوولیتی نداشته و متصدی بعدی، مسوولیت مستقیم دارد.

۳- شخصاً مسوول بوده و نمی‌تواند به متصدی بعدی رجوع کند.

۴- با متصدی بعدی، متضامناً مسوول است.

✓ **گزینه ۱.** مطابق ماده ۳۸۸ قانون تجارت، متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل‌کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

۴۳) چنانچه دوره مدیریت اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی پایان یابد، کدام مورد صحیح

است؟

۱- مدیران مجاز به انجام امور شرکت، به جز امور کلان هستند.

۲- اختیارات هیئت مدیره، کماکان به قوت خود باقی است.

۳- مدیران مجاز به انجام عمل حقوقی، به جز امور اداری و روزمره شرکت نمی‌باشند.

۴- مدیران حق دخالت در امور اجرایی شرکت را دارند، ولی معاملات آنها برای شرکت، تنها با تنفیذ مجمع عمومی معتبر است.

پایگاه خبری

اکتبر

✓ **گزینه ۲.** به موجب ماده ۱۳۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هر گاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذی نفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

(۴۴) چنانچه مجمع عمومی عادی، بدون رعایت حد نصاب قانون تشکیل و مدیران را انتخاب نماید، این انتخاب.....

- ۱- و اعمال حقوقی چنین مدیرانی در برابر ثالث، باطل ولی نسبت به شرکت و سهامداران معتبر است.
 - ۲- قابل ابطال در دادگاه بوده، ولی اعمال حقوقی چنین مدیرانی در برابر ثالث، دارای اعتبار است.
 - ۳- و اعمال حقوقی چنین مدیرانی در برابر ثالث و شرکت، معتبر و غیر قابل ابطال می باشد.
 - ۴- بی اعتبار بوده و اعمال حقوقی چنین مدیرانی در برابر ثالث، کان لم یکن می باشد.
- ✓ **گزینه ۲.** بر اساس ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد، رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه باطل اعلام خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

(۴۵) مطالبه وجه چک از طریق اجرای ثبت، علیه چه کسی (کسانی) امکان پذیر است؟

- ۱- صادرکننده و ضامن وی
 - ۲- صادر کننده، ضامن وی و ظهرنویس
 - ۳- صادر کننده و ظهر نویس
 - ۴- صادرکننده
- ✓ **گزینه ۴.** ماده ۲ قانون صدور چک مقرر می دارد: چکهای صادره عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر دلیل دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک به نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. دارنده چک اعم از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

۴۶) بانک مکلف است به محض ارائه چک، سند را کارسازی کند.

- ۱- تنها در تاریخ مندرج در آن
 - ۲- بدون توجه به تاریخ مندرج در آن
 - ۳- در تاریخ مندرج در آن یا پس از آن تاریخ
 - ۴- حداکثر تا ۶ ماه از تاریخ صدور آن
- ✓ گزینه ۳. ماده ۳ مکرر قانون صدور چک اعلام می دارد: چک فقط در تاریخ مندرج در آن و با پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

۴۷) انتشار اوراق مشارکت، با مجوز کدام نهاد صورت می گیرد؟

- ۱- بانک مرکزی
 - ۲- بانک کارگزار انتشار اوراق مشارکت
 - ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی
 - ۴- سازمان بورس اوراق بهادار
- ✓ گزینه ۴.

۴۸) تقویم آورده غیرنقدی در شرکت های سهامی و در شرکت های با مسوولیت محدود به ترتیب از کدام طریق انجام می شود؟

- ۱- توافق شرکا- توافق شرکا
- ۲- کارشناسان رسمی دادگستری- توافق شرکا
- ۳- توافق شرکا- کارشناسان رسمی دادگستری
- ۴- کارشناسان رسمی دادگستری- کارشناسان رسمی دادگستری

✓ گزینه ۲. در مورد شرکتهای سهامی عام به موجب ماده ۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون

تجارت مصوب ۱۳۴۷، هر گاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غیرنقد داشته باشند، مؤسسين باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس، نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده های غیرنقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در مورد شرکتهای سهامی خاص نیز بر اساس ماده ۸۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمی توان آورده های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود. در مورد شرکت با مسوولیت محدود نیز طبق ماده ۹۷ قانون تجارت، در شرکت نامه باید صراحتاً قیدشده باشد که سهم الشرکه های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است. از آنجایی که شرکت نامه به امضای همه شرکا می رسد، لذا تقویم آورده های غیرنقدی در شرکت با مسوولیت محدود با توافق تمام شرکا انجام می شود.

شودایگاه خبری

۴۹) کدام مورد در خصوص کسی که جدیداً وارد شرکت تضامنی می شود، صحیح است؟

- ۱- مسوول قروض قبل از ورود خود خواهد بود.
 - ۲- فقط مسوول قروض بعد از ورود خود خواهد بود.
 - ۳- به هیچ وجه، مسوول قروض قبل از ورود خود نخواهد بود.
 - ۴- فقط در صورتی مسوول قروض قبل از ورود خواهد بود که در قرارداد انتقال، شرط شده باشد.
- ✓ **گزینه ۱.** ماده ۱۲۵ قانون تجارت مقرر می دارد: هرکس بعنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهند بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هرقراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

۵۰) در حقوق ایران، کدامیک از موضوعات زیر به عنوان آورده شرکت با مسوولیت محدود، نمی تواند در نظر گرفته شود؟

- ۱- حق اختراع
 - ۲- سرقفلی
 - ۳- نفوذ سیاسی
 - ۴- حقوق ارتفاقی
- ✓ **گزینه ۳.** قسمتی از آورده ها می تواند از صنعت یک یا چند شریک تشکیل شود. البته صنعتی را می توان آورده قرار داد که مشروع باشد. بنابراین، قبول نفوذ سیاسی به عنوان آورده، موجب بطلان قرارداد شرکت است. از طرف دیگر، اعتبار کسی را نمی توان به عنوان آورده قبول کرد. همچنین است زحماتی که فردی در خلال تشکیل شرکت متحمل می شود. بر عکس، هیچ اشکالی ندارد که کسی تجربه تجاری خود را به عنوان آورده وارد شرکت کند (دکتر ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۱، ص ۹۰ به نقل از دکتر اسکینی، شرکتهای تجاری، ج ۱، ص ۲۳).

۵۱) کدام مورد در خصوص شرکت های سهامی، صحیح است؟

- ۱- دریافت وام با اعتبار مدیران از شرکت، خود به خود باطل است. مگر در مورد بانک ها و شرکت های مالی و اعتباری و با رعایت قیود و شرایط عادی و جاری.
 - ۲- معامله مدیران شرکت سهامی با شرکت در صورت تصویب در صورت تصویب مجمع عمومی در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست.
 - ۳- معاملات مدیران که متضمن رقابت با شرکت باشد، باطل است.
 - ۴- تضمین یا تعهد وام مدیران، توسط شرکت، معتبر است.
- ✓ **گزینه ۱.** طبق ماده ۱۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، مدیر عامل شرکت و اعضای هیأت مدیره به استثنای اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به

خودی خود باطل است. در مورد بانک‌ها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

۵۲) اگر مدیران یک شرکت تجاری، چکی صادر و با عدم پرداخت مواجه شود، کدام مورد صحیح است؟

- ۱- فقط شرکت، مسوول پرداخت چک خواهد بود.
- ۲- مدیران به لحاظ حقوقی، هیچگونه مسوولیتی نخواهند داشت.
- ۳- مدیران امضاکننده و شرکت، در قبال دارنده، مسوولیت تضامنی خواهند داشت.
- ۴- مدیران و شرکت، در قبال دارنده، مسوولیت تضامنی نخواهند داشت. مگر اینکه ظهر چک را به عنوان ضامن امضا کرده باشد.

گزینه ۳. بر اساس ماده ۱۹ قانون صدور چک، در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضا متضامنا مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می‌شود. به علاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسوول خواهد بود.

۵۳) کدام مورد در خصوص تاریخ توقف تاجر، صحیح است؟

- ۱- تا یکسال قبال از تاریخ صدور حکم ورشکستگی یا کمتر، تعیین شود.
- ۲- فقط می‌تواند برای دو سال قبل از تاریخ صدور حکم ورشکستگی یا کمتر، تعیین شود
- ۳- اگر در حکم معین نشده باشد، تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاریخ توقف محسوب می‌شود.
- ۴- تاریخ توقف تعیین شده در حکم ورشکستگی، در قابل اشخاصی که در دادرسی شرکت نداشته اند، قابل استناد نیست.

✓ گزینه ۳. ماده ۴۱۶ در این رابطه مقرر می‌دارد: محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ حکم، تاریخ توقف محسوب است.

۵۴) چنانچه شخصی حقوقی پس از محکومیت قطعی، قادر به پرداخت محکوم به نباشد،

.....

- ۱- می‌تواند دادخواست اعسار بدهد.
- ۲- مدیران شخص حقوقی باید ورشکستگی خود و شخص حقوقی را اعلام کنند.

۳- شخص حقوقی تجاری باید دادخواست توقف و شخص حقوقی غیرتجاری باید دادخواست اعسار بدهد

۴- شخص حقوقی نمی تواند دادخواست اعسار بدهد و تنها مجاز به تقدیم دادخواست ورشکستگی می باشد.

✓ **گزینه ۴.** به موجب ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی شود و این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند. تبصره- اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی و اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان قرار رد درخواست وی را صادر می کند.

۵۵) کدام مورد در خصوص کسر اندوخته قانونی (یک بیستم)، به ترتیب در شرکت های سهامی و شرکت با مسوولیت محدود صحیح است؟

۱- اجباری است- اختیاری است.

۲- اجباری است- اجباری است.

۳- اختیاری است- اجباری است.

۴- اختیاری است- اختیاری است.

✓ **گزینه ۲.** طبق ماده ۱۱۳ قانون تجارت، تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های با مسوولیت محدود نیز لازم الرعایه است. در شرکتهای سهامی نیز به موجب ماده ۱۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، هیأت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد.

۵۶) مدیران در شرکت های سهامی و در شرکت با مسوولیت محدود، به ترتیب از بین چه کسانی انتخاب می شوند؟

۱- سهامداران- شرکا و غیرشرکا

۲- سهامداران- شرکا

۳- سهامداران و غیرسهامداران- شرکا

۴- سهامداران- شرکا

✓ **گزینه ۱.** طبق ماده ۱۰۴ قانون تجارت، شرکت با مسوولیت محدود بوسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیرموظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد. در شرکتهای سهامی نیز ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

مصوب ۱۳۴۷، مقرر می دارد: شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

۵۷) هرگاه تاجر ورشکسته بعد از توقف، مالی از اموال خود را به دیگری هبه نماید، معامله مزبور از نظر حقوقی چه وضعیتی دارد؟

۱- قابل ابطال

۲- غیر نافذ

۳- باطل

۴- قابل فسخ

✓ **گزینه ۳.** بر اساس ماده ۴۲۳ قانون تجارت، هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

۱ - هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از این که راجع به منقول یا غیرمنقول باشد .

۲ - تادیه هر قرض اعم از حال یا موجدل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.

۳ - هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر ر مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.

۵۸) اولین انتقال برات و چک به دیگری، به ترتیب از کدام طریق صورت می‌گیرد؟

۱- ظهرنویسی - ظهرنویسی

۲- ظهرنویسی - ظهرنویسی یا قبض و اقباض

۳- ظهرنویسی یا قبض و اقباض - ظهرنویسی

۴- ظهرنویسی یا قبض و اقباض - ظهرنویسی یا قبض و اقباض

✓ **گزینه ۲.** بند ۷ ماده ۲۲۳ قانون تجارت به گونه ای تنظیم شده که مطابق آن برات باید صرفاً به نام شخص معین یا به حواله کرد شخص معین صادر گردد. لذا صدور برات در وجه حامل اعتبار قانونی ندارد و مشمول مقررات برواتی نیست ولی ظهرنویسی برات با توجه به ماده ۲۲۶ قانون تجارت به صورت حامل ایرادی ندارد (دکتر اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، ص ۳۹). بر این اساس، از آنجایی که نمی‌توان برات در وجه حامل صادر نمود لذا اولین انتقال آن صرفاً از طریق ظهرنویسی خواهد بود. اما در رابطه با چک، از آنجایی که طبق ماده ۳۱۲ قانون تجارت، می‌توان چک را در وجه حامل صادر کرد، اولین انتقال آن از طریق صرف قبض و اقباض نیز ممکن است.

۵۹) کدام مورد در خصوص معاملاتی که تاجر ورشکسته بعد از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی و قبل از صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد انجام داده است، صحیح می باشد؟

- ۱- به هیچ وجه باطل نمی شود.
 - ۲- در صورتی که به مصلحت طلبکاران نباشد، باطل است.
 - ۳- در صورتی که معلوم شود به قصد فرار از دین بوده، باطل می شود.
 - ۴- در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد، باطل است.
- ✓ گزینه ۴. طبق ماده ۵۰۰ قانون تجارت، معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

۶۰) ظهرنویس چک به هنگام ظهرنویسی، در چک شرط عدم مسوولیت نموده است، کدام مورد در خصوص این شرط، صحیح است؟

- ۱- صحیح است و در مقابل همه دارندگان (مستقیم و غیرمستقیم)، قابل استناد است.
 - ۲- صحیح است، ولی فقط در مقابل دارنده مستقیم، قابل استناد است.
 - ۳- قابل ابطال است.
 - ۴- باطل است.
- ✓ گزینه ۱. گزینه های ۲ و ۳ بی تردید صحیح نمی باشند اما راجع به گزینه های ۱ و ۴ باید توجه کرد که در مورد شرط عدم مسوولیت ظهرنویس در اسناد تجاری اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که با توجه به اطلاق ماده ۲۴۹ قانون تجارت، ظهرنویس نمی تواند با قید شرط خلاف، مسوولیت خود را به طور مطلق محدود یا منتفی کند مگر در موارد استثنایی که مقنن پیش بینی نموده باشد مثل ماده ۲۷۶ قانون تجارت (دکتر اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، ص ۹۶). در مقابل، برخی معتقدند که اطلاق ماده ۲۴۹ قانون تجارت را نمی توان دلیل ممنوعیت شرط خلاف دانست لذا منطقی نیست شرط عدم مسوولیت ظهرنویس پذیرفته نشود (دکتر کاویانی، حقوق اسناد تجاری، صص ۱۲۶ و ۱۲۷).

[برای پیگیری اخبار آزمون وکالت در پایگاه خبری اخبار اینجا کلیک کنید](#)

[← برای عضویت در کانال تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید →](#)

[← برای عضویت در خبررسان تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید →](#)

[← برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اخبار اینجا کلیک کنید →](#)

[← برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اخبار عضو شوید →](#)